

۲۴ ۳۸ ۹۰۳

حظ کردیم و افسوس خوردیم

گزارش سفر به اروپا

از میان نوشته‌های میرزا حسن خان مستوفی الممالک

و دوست علی خان معیر الممالک

به کوشش فاطمه معزی و پدرام خسرو نژاد



www.ketab.ir



عنوان
حفظ کردیم و افسوس خوردیم، گزارش سفر به اروپا

مشخصات نشر

تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری

ص ۱۷۶.

شابک

۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۷۳-

موضوع

سفرنامه‌های ایرانی - قرن ۱۳ق.

رده‌بندی کنگره

D۹۱۹

رده‌بندی دیویی

۹۱۴/۴۲۸

شماره کتابشناسی ملی

۹۴۳۵۴۹۱



حظ کردیم و افسوس خوردیم

گرایش میرزا و پاز میان نوشته های
میرزا حسن خان مستوفی و دوست علی خان معیر الممالک
به کوشش قاضی معری ویدال خسرو نژاد

ناظر کیفی متن: زهره برای

طراحی جلد: بهاره بالغ نژاد

ویرایش: هدیه رهبری

بازبینی نهایی متن: محمد حسین واقف

چاپ: کاج صحافی: نمونه

شایک: ۰۰۰۷۳-۶۱۹۴-۶۲۲-۹۷۸

چاپ اول: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه



اطراف

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هر
گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی)
بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

Atrafir





سفرنامه

۳۱ به تعریف در می آید دید

سفرنامه میرزا حسن خان مستوفی

۷۵ به به از زینماست و الکتریک و شعبده باز

سفرنامه میرزا دوستعلی خان معیرالممالک

۸۹ بمان و تماشاکن

خاطرات سفر دوستعلی خان در مجله یغما

۱۱۱ خودم از پاریس فریان شما بگردم

از میان نامه ها

۱۴۳ عکس هم بادگار فشنگی خواهد بود

عکس هایی از سفر به اروپا

سخن ناشر

روایت‌های سفر هزاران سال قدمت دارند و از زمانی که انسان سفر کرده، دربارهٔ سفرهایش قصه هم گفته است. در گذشته‌ها یک معاصر، سفر - به هر دلیلی و از هر نوعی - اهمیتی ویژه دارد. این روزها ژانر سفرنامه، انواع روایت‌های سفر، پیشینهٔ استعماری سفرنامه‌نویسی و مسائلی مانند این‌ها موضوع بسیاری از پژوهش‌ها هستند و پژوهشگران حوزه‌های ادبیات، تاریخ، جغرافیا، مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، مطالعات جنسیتی، مطالعات پسااستعماری و خیلی از رشته‌های دیگر به بررسی سفر، سفرنامه‌نویسی و آثار سفرنامه‌ای روی آورده‌اند. این توجه صرفاً به سبب محبوبیت سفرنامه‌ها نیست و چه بسا به گفتهٔ بیل بافورد «ابهام شگفت‌انگیز» سفرنامه‌ها که در مرز میان «واقعیت و داستان» می‌ایستند دلیل اصلی توجه محققان به این ژانر باشد. در سفرنامه‌ها می‌شود رد خیلی از ژانرهای دیگر مثل خاطره‌پردازی، گزارش توصیفی، خودزندگی‌نامه، شعر

حماسی، گزارش ادبی و جستار شخصی را دید و بی شک این درهم آمیختگی ژانرها و فرم‌های مختلف در سفرنامه نیز آن را برای نظریه پردازان ژانر جذاب تر می‌کند. فارغ از تعریف ما از سفرنامه - که مدت‌ها موضوع بحث و جدل نظریه پردازان بوده - روایت سفر، خواه برای سخن گفتن از فرهنگ‌های غریبه و مکان‌های آگزوتیک و خواه برای توصیف فرهنگ‌ها و مکان‌های نه چندان دور و ناشناخته، هم عناصری از ژانرهای گوناگون را از آن خود می‌کند و هم تعریفی نو از این ژانرها ارائه می‌دهد.

مضامین سفرنامه‌ها نیز از تنوع چشمگیری برخوردارند: جست و جوگری، ماجراجویی، سفر درونی مسافر، مسائل مربوط به جنسیت و نژاد، استعمارگری / استعمارزدایی و مانند اینها. فارغ از کم رنگ یا پررنگ بودن عناصر و ساختارهای برگرفته از ژانرهای دیگر، در آثار سفرنامه‌ای، بهترین روش فهم سفرنامه‌ها توجه به منطق درونی این ژانر است. برخی نظریه پردازان روایت‌های سفر را، به لحاظ اجتماعی، مهم‌ترین ژانر ادبی می‌دانند. سفرنامه در کنار ثبت حرکت زمانی و مکانی مسافر، بر چگونگی تعریف ما از خود و دیگران تأثیر می‌گذارد و با شکل دادن به درک ما از مفاهیم «من»، «تو»، «ما» و «آن‌ها» هم در سطوح شخصی و ملی و هم در قلمروهای اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی نقش مهمی دارد.

کارکردها و کاربردهای سفرنامه‌ها نیز گوناگون‌اند. قصه‌های سفر، حتی پیش از اختراع خط، به شکل شفاهی یا در قالب ترانه یا نقاشی نقل می‌شدند و کارکردهای گوناگونی داشتند. مثلاً داستان‌های «دوره خواب‌های خلقت»*

* در فرهنگ بومیان استرالیا دوره خواب‌های خلقت (Dreamtime) زمانی است که در آن حیات پدید آمده است.

بومیان استرالیا که فاقد زمان خطی هستند، همزمان با برقراری ارتباطی حیاتی میان مردمان این قاره و پیشینیان شان، ویژگی های طبیعی استرالیا را به روابط اجتماعی مردمش پیوند می زنند. بومیان استرالیا هنگام سفر از جایی به جای دیگر ترانه های سنتی می خواندند و مسیر سفر را به قصه درمی آوردند تا مثل نقشه راهی برای دیگران به کار آید. تعریف متفاوت بومیان استرالیا از تاریخ و قداست زمین به مثابه موجودی زنده و دیگر نمونه های مشابه در سرزمین ها و فرهنگ های مختلف نشان می دهد که قصه های فرهنگ های دیگر درباره سفر لزوماً با رویکردهای غربی به سفر و قصه هایش منطبق نیستند.

نشر اطلس، با تمرکز بر روایت های واقعیت محور، از نخستین روزهای کارش به ژانر سفرنامه توجهی خاص داشته چون این فرم نوشتاری دیرینه از نمونه های شاخص روایت های واقعی است. زبان روایی دوره قاجار نیز اهمیت سفرنامه های این دوران را برای ما بیشتر می کند و تا کنون هشت سفرنامه قاجاری را در قالب دو مجموعه «تماشای شهر» و «سفرنامه های قدیمی زنان» به مخاطبان تقدیم کرده ایم. به علاوه، چهار سفرنامه منصور (در بخش ترجمه)، یک سفرنامه تالیفی معاصر، و یک سفرنامه سه جلدی برای نوجوانان نیز برای علاقه مندان این ژانر منتشر شده است.

کتاب حظ کردیم و افسوس خوردیم مجموعه ای است از قطعات جورچینی که تصویری از سفر به فرنگ در دوران قاجار را پیش چشم ما می گذارد. سوغات سفر پادشاهان قاجاری به فرنگ فقط دوربین و اتومبیل و سفرنامه های شاهانه نبود. بسیاری از همراهان پادشاهان نیز داستانی با خود به یادگار می آوردند. گرچه بیشتر این روایان از طبقه درباری بودند، هر یک از آن ها به شیوه خاص خود با کشورهای اروپایی مواجه شده اند و سفرشان را روایت کرده اند.

کتاب پیش رو روایتی است از سفر دو جوان قاجاری که در سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ همراه او بودند؛ جوانانی که نسبت نزدیکی با شاه داشتند اما فاصله‌شان را با او حفظ کردند تا آن دنیای تازه را به تنهایی کشف کنند. دوستعلی خان معیرالممالک و میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک که بعدها چهره‌های مهمی در تاریخ فرهنگی و سیاسی ایران شدند، بخشی از دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربه‌هایشان در این سفر را در قالب سفرنامه‌هایی در دو سوی یک دفترچه نوشتند. ما برای تکمیل این سفرنامه‌ها و رسیدن به تصویری واضح‌تر از این سفر، سراغ اسناد دیگری هم رفتیم و چند نامه نوشته شده در جریان این سفر، عکس‌هایی دیده نشده از آن و همچنین گزارش نشریه‌ای فرانسوی را هم از همان انبوه اسناد و عکس‌های به‌جامانده از خاندان معیرالممالک انتخاب کردیم. این دو سفرنامه افزودیم.

دکتر پدرام خسرونژاد، پس از یافتن این متون و عکس‌های مربوط به آن‌ها، با همکاری خانم فاطمه معزی مشغول خواندن و به‌به‌سازی نسخه خطی شدند و سپس با تکیه بر پژوهش‌های برون‌متنی، اطلاعات فراوانی را در قالب پانویشت و پی‌نوشت به متن اصلی افزودند تا ابهام‌های متن را برطرف کنند. از آن جا که این کتاب صرفاً بازخوانی و نشر سفرنامه‌ای کامل نیست، شاید بهتر باشد بخش‌های مختلفش را به چشم قطعاتی از تصویری بزرگ‌تر ببینیم؛ جورچینی که در آن نامه‌ها، عکس‌ها و یادداشت‌های سفر این دو جوان کنار هم می‌نشینند تا روایتی کلان‌تر به ما عرضه کنند.

یادداشت پژوهشگران

(۱)

سفرنامه نویسی یادگار زمان است که ابزار اندکی برای ثبت مشاهدات مسافر وجود داشت. سفرنامه ها گاه در سفر و روزانه نوشته می شدند و گاه بعد از پایان سفر روی کاغذ می آمدند. در حالت اول به اقتضای شرایط، پیش می آمد که دو یا چند نفر خاطرات سفرشان را در یک سند (مثلاً یک دفترچه) ثبت کنند. در کتاب حظ کردیم و افسوس خوردیم نیز با چنین سفرنامه هایی سروکار داریم. دو سفرنامه این کتاب به نخستین سفر مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ در ذی حجه ۱۳۱۷ قمری مربوط می شوند و در دو سوی یک دفترچه جلد چرمی مشکی، به قطع شانزده در ده سانتی متر، نوشته شده اند؛ دفترچه ای که میان مجموعه ای از اسناد و عکس های شخصی به جامانده از خاندان معیرالممالک پیدا شده است.

پس از تحقیق و بررسی، روشن شد که این دو سفرنامه - از میرزا حسن خان مستوفی الممالک و دوستعلی خان معیرالممالک - پیش از این انتشار نیافته اند

و در صندوق خانه فراموشی وارثان مجموعه تا به امروز دست به دست شده‌اند. وجه اشتراک دو سفرنامه این است که نویسندگان هر دو جوان‌اند و دنیانداخته، و نسبت‌شان با قدرت و ثروت بسیاری از موانع را از سر راه‌شان برداشته است. هر دو به بهانه همراهی با مظفرالدین شاه عازم سفرند و در عین حال، چون می‌خواهند مستقل باشند، چند ماه بعد از شروع سفر شاه، قدم در راه می‌گذارند. میرزا حسن خان مستوفی الممالک، نویسنده سفرنامه اول کتاب، فرزند میرزا یوسف خان مستوفی الممالک و شکر خانم کردستانی بود و در سال ۱۲۹۱ قمری/۱۲۵۳ شمسی متولد شد. پدرش مستوفی و صدراعظم ناصرالدین شاه بود و صاحب املاک و باغات فراوانی همچون حسن‌آباد، یوسف‌آباد، بهجت‌آباد و ونک. ناصرالدین شاه به پاس زحمات پدر، در سال ۱۲۹۹ قمری/۱۲۶۰ شمسی لقب مستوفی الممالک را به پسر هشت‌ساله او هم داد. میرزا حسن دوازده سال بیشتر نداشت که پدرش درگذشت و ناصرالدین شاه نیز سرپرستی او را به فرزند خود، سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان، سپرد تا با دقت تربیتش کند و «لله عاقله درست کامل» برای او بگمارد. میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر، پدر دکتر محمد مصدق، عهده‌دار این کار شد و علم امور استیفا یا همان محاسبات را به وی آموخت.

مستوفی الممالک جوان در سال ۱۳۰۹ قمری/۱۲۷۰ خورشیدی با عصمت‌الملوک، نوه ناصرالدین شاه و دختر امیر دوست محمد خان معیر الممالک و فاطمه خانم عصمت‌الدوله، ازدواج کرد؛ پیوندی که موجب خرسندی ناصرالدین شاه شد. بعد از درگذشت ناصرالدین شاه و بر تخت نشستن مظفرالدین شاه، ساختار دربار تغییر کرد. میرزا حسن که در جست‌وجوی راهی برای فرار از مسئولیت‌های دولتی و دنبال کردن علایق شخصی خود بود، از این تغییرات استقبال کرد و

در سال ۱۳۱۸ قمری / ۱۲۷۹ شمسی بعد از فروش باغ و عمارت یوسف آباد و پرداخت بدهی هایش تصمیم گرفت به تماشای فرنگ برود. اکسپوزیسیون یا همان نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۰۰ میلادی بهترین بهانه برای راهی شدن به اروپا بود. بنابراین همسر و سه فرزندش را در تهران گذاشت و رفت. هفت سال در اروپا ماند و دل سیر هر آنچه خواست، کرد. بعد، در اوایل سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۲۸۶ شمسی به ایران بازگشت و «به قدر گنجایش چند مغازه بزرگ با خود از هر قبیل اشیا آورد و اسلحه خانه خویش را از هر جهت تکمیل کرد.»

مستوفی‌الممالک زمانی به ایران بازگشت که نظام حکومت از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه تغییر پیدا کرده بود و نخستین مجلس شورای ملی ایران مشغول تدوین قانون اساسی بود. در آن زمان، احزاب متعددی فعالیت می‌کردند و مستوفی‌الممالک نیز تحت تأثیر اقامت طولانی خود در فرنگ، فعالیت سیاسی اش را با تأسیس حزبی با نام «مجمع انسانیت» آغاز کرد. اعضای حزبش آشتیانی‌ها، تفرشی‌ها و گرگانی‌ها در قه‌قه‌قه تهران بودند و جلساتش هم جایی نزدیک منزل مستوفی‌الممالک برگزار می‌شد. او در دولت میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری / اردیبهشت ۱۲۸۶ شمسی به عنوان وزیر جنگ به مجلس معرفی شد. این انتخاب همه را حیرت‌زده کرد و نقل است که خود مستوفی‌الممالک نیز به آن راضی نبود: «من در ظرف هفت سال اقامت فرنگستان بازی بیلیارد یاد نگرفتم، چه رسد به کارهای بزرگ.» جوانی که برای رهایی از بار گران مشاغل دولتی، راه فرنگ را در پیش گرفته بود، از آن پس در دوره سلطنت محمدعلی شاه و احمد شاه قاجار بارها به ریاست وزرا (نخست‌وزیری)، وزارت جنگ و وزارت مالیه منصوب شد و کارهای بزرگ به او سپردند. مستوفی‌الممالک در آغاز جنگ جهانی اول ریاست دولت

را بر عهده داشت و او بود که بی‌طرفی ایران را در این جنگ اعلام کرد. دو بار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و در دوره حکومت رضا شاه پهلوی نیز سه دوره ریاست دولت را بر عهده گرفت. حسن مستوفی در ششم شهریور ۱۳۱۱ در تهران درگذشت و در آرامگاه خانواده مستوفی در ده ونک، دانشگاه الزهراء فعلی، در کنار پدرش به خاک سپرده شد.

مطالعه شخصیت و عملکرد سیاسی میرزا حسن خان مستوفی الممالک ماجرابی مفصل است و ما در این کتاب فقط او را در جوانی و پیش از عهده‌دار شدن مناصب سیاسی، در سفرش به فرنگ همراهی می‌کنیم. او در این مسیر با چند تن از بستگان همسرش مثل امان‌الله میرزا (پسر ادیب عصمت‌الدوله، مادر همسرش و میرزا محمدخان حشمت‌الممالک (عموی عصمت‌الملوک) همسفر است و دوستی خان اعتصام السلطنه، برادر همسرش که نویسنده سفرنامه دوم کتاب است، هم به همراهی جمع آن‌ها ملحق می‌شود.

دوستعلی خان اعتصام السلطنه (معیرالملک معدی)، فرزند دوست محمد خان و فاطمه خانم عصمت‌الدوله (دختر ناصرالدین شاه قاجار)، در سال ۱۲۹۲ قمری / ۱۲۵۳ شمسی در باغ فردوس تهران متولد شد. به رسم ثروتمندان آن زمانه، تحصیل را در خانه و با معلمان منتخب پدرش آغاز کرد. از همان کودکی به نقاشی علاقه‌مند بود و پدرش هم امکان یادگیری نقاشی را برایش فراهم کرد. او در ۱۳۱۱ قمری / ۱۲۷۲ شمسی با نوش‌آفرین خانم اعظم السلطنه، دختر علی اصغر خان امین‌السلطان، صدراعظم وقت ناصرالدین شاه و دوست نزدیک پدرش، ازدواج کرد. با مرگ ناصرالدین شاه و آغاز سلطنت مظفرالدین شاه، تغییراتی در دربار رخ داد. برکناری امین‌السلطان از منصب صدارت و تبعیدش به قم یکی از این تغییرات بود. دوستعلی خان جوان پس از تبعید پدر همسرش

سعی کرد کمتر در دربار حاضر شود ولی دایی اش مظفرالدین شاه تأکید کرد که حساب روابط خانوادگی از مصالح کشور جداست.

با انتصاب مجدد امین السلطان به صدارت، دوستعلی خان نیز به منصب وزارت مخزن نظام یا سررشته داری قوای نظامی منصوب شد و محاسبه اموال و خرید و فروش مایحتاج وزارت جنگ را به او سپردند. در همان زمان، مظفرالدین شاه تصمیم گرفت به سفر فرنگ برود و این تصمیم با برگزاری نمایشگاه جهانی ۱۹۰۰ میلادی در پاریس مصادف شد؛ نمایشگاهی که شرکت کنندگانش دستاوردهای صنعتی شان را به نمایش می‌گذاشتند و بنابراین فرصتی کم نظیر برای آشنایی با تحولات صنعتی جهان بود. دوستعلی خان که به گفته خودش سالها سودای سفر فرنگ داشت، فرصت را غنیمت شمرد و از شاه و از صدراعظم، میرزا علی صدیق خان امین السلطان که پدر همسرش هم بود، اجازه گرفت تا جدا از کاروان شاه، همراه قید و بند تشریفات رسمی، راهی این سفر شود. قرار شد محمدحسن خان مؤید الملک (عموی کوچک دوستعلی خان)، عبدالله میرزا قاجار، صادق خان نواب و حاج یوسف خان (پسردایه مادرش) هم او را همراهی کنند.

خاطرات سفر فرنگ دوستعلی خان از زمان حرکت از تهران تا بازگشت، در بخشی از متنی که با عنوان «هشتاد و پنج سال زندگی در چند صفحه» برای مجله یغمانوشته نیز منتشر شده است. برای تکمیل این مجموعه، این بخش از نوشته او را هم پس از روزنوشت‌های سفرش در کتاب آورده‌ایم. همچنین ترجمه مطلبی که روزنامه‌ای فرانسوی نیز درباره او منتشر کرده، در ادامه کتاب آمده است. نسخه این روزنامه از میان اسناد به جامانده از خاندان معیرالممالک به دست آمده و اولین بار است که ترجمه فارسی آن منتشر می‌شود.

روزنوشت‌های سفر دوستعلی خان در دفترچه مشترکش با مستوفی الممالک به بخشی از سفرش از پاریس به استانبول بلیزیک و وقایع رخ داده در این سفر چهارروزه و همچنین ماجرای بازگشتش به ایران مربوط است. دوستعلی خان در مطلبی که برای مجله یغمانوشته، علت این سفر چهارروزه را چنین شرح می‌دهد:

قرار بود شاه از پاریس به لندن برود ولی چون یکی از پسرهای ملکه ویکتوریا به تازگی درگذشته و دربار انگلستان سوگوار بود برنامه برهم خورد و شاه برای گذراندن مدتی که می‌بایست در لندن بماند به استانبول رفت. دوازده روز پس از رفتن شاه نامه‌ای از سپهسالار رسید که براتی به مبلغ هشتاد هزار تومان جهت ملبوس و لوازم نظامیان جوف آن بود. برات مزبور می‌بایست به معنای اتابک برسد و هر چه زودتر پس فرستاده شود. من ناچار رهسپار استانبول شدم و یکسره نزد اتابک رفتم.

پس از بازگشت دوستعلی خان از سفر فرانسوی در ۱۳۲۱ قمری / ۱۲۸۲ شمسی عین‌الدوله، صدراعظم وقت، او را به اختلاس در نظام متهم کرد. دوستعلی خان هم، برای رفع این اتهام، از ریاست مخزن نظام کناره گرفت و از آن پس دیگر هیچ منصب دولتی‌ای را نپذیرفت. او در ازدواج اولش هم شکست خورد و بعد از جدایی از اعظم السلطنه، در سال ۱۳۲۸ قمری با شمس‌النهار خانم فرح‌السلطنه، دختر حشمت‌الممالک، عموی خود، ازدواج کرد. بعد از درگذشت پدرش در ۱۳۳۰ قمری / ۱۲۹۱ شمسی (دوران سلطنت احمد شاه قاجار) لقب معیرالممالک به او رسید و پس از برافتادن القاب سنتی در دوره سلطنت رضا شاه پهلوی، معیرالممالک نام خانوادگی «معیری» را برای خود و خانواده‌اش برگزید.

معیرالممالک، پس از کناره‌گیری از مناصب دولتی، خودش را با نقاشی، شکار، کبوتربازی، پرورش ماکیان و تشکیل محافل تفریحی و فرهنگی در خانه مشغول کرد. از دیگر کارهای او نوشتن خاطراتش از دوران ناصرالدین شاه است که نشر تاریخ ایران آن‌ها را در قالب دو کتاب رجال عصر ناصری و یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه منتشر کرده است. وقایع الزمان یا خاطرات شکاریه نیز کتاب دیگر اوست که معیرالممالک در آن، ضمن شرح شکارهایش، وقایع روزانه سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۱ قمری را نیز ثبت کرده است. وقایع الزمان در چند جلد نوشته شده اما تنها یک جلد آن که به وقایع سال ۱۳۲۹ قمری مربوط می‌شود در سال ۱۳۶۹ شمسی توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده است. دوستعلی خان معیری در آبان ماه ۱۳۳۱ شمسی در تهران درگذشت.

علاوه بر آنچه گفتیم، هشت نامه هم از این سفر باقی مانده که خواندن آن‌ها به شکل‌گیری تصویر کامل‌تری از این سفر کمک می‌کند. در پایان کتاب هم عکس‌های متنوعی از این سفر آمده است. از پررنگ‌ترین عکس‌ها دوستعلی خان گرفته تا عکس‌هایی از گردش‌های جمعی جوانان ذوق‌زده فرنگی‌پوش و البته عکس‌های متفاوتی از مظفرالدین شاه. بیشتر این عکس‌ها پیش از این منتشر نشده‌اند و دیدن‌شان شاید درک درست‌تری از حال‌وهوای سفر به فرنگ در سال‌های دور به ما عرضه کند.

سفرنامه‌های این دفترچه به ترتیب اصلی از پی یکدیگر آمده‌اند و هر جا که لازم بوده، برای روشن کردن ابهام‌ها پانویس‌ها و پی‌نوشت‌هایی به آن‌ها افزوده‌ایم. برای آن‌که تعدد اسامی ذکرشده در متن مخاطب را سردرگم نکند، شخصیت‌های اصلی سفر را در ابتدای کتاب معرفی کرده‌ایم و در پانویس‌ها

هم تا آن جا که می شده، دربارهٔ افراد توضیحاتی دادیم. معنای کلمه های دشوار و غریب متن نیز در انتهای کتاب، در بخش واژگان، آمده است.

تلاش ما این بوده که به متن اصلی وفادار باشیم. بنابراین تغییراتی که اعمال شده بسیار اندک و با دقت فراوان بوده است. رسم الخط حتی الامکان تغییر نکرده و تنها غلط های املایی فاحش اصلاح شده اند. کلمه هایی که برای واضح تر شدن متن به آن اضافه شده در قلاب قرار گرفته اند و هر جا هم که بعد از تلاش بسیار، از خواندن کلمه ای در متن اصلی درمانده ایم، از سه نقطه استفاده کرده ایم. امید است که این اثر روزن و رهگشایی در مطالعات تاریخ دورهٔ قاجار باشد. با تشکر بسیار از حوصله و صبر نشر اطراف، سرکار خانم مرشدزاده و خانم ترابی که همراهِ همسایه بودند.

فاطمه معزی، آبان ماه ۱۴۰۲

(۲)

آشنایی اولیهٔ من با خاندان محترم معیرالممالک از طریق تصاویر بانوان دوران قاجار بود که به امیر دوست محمد خان معیرالممالک و برادر ایشان جناب محتشم الممالک نسبت داده می شوند.

در سال ۱۳۹۳ برای اولین بار در یک مجموعهٔ خصوصی در لندن با اصل تصاویر خاص این خاندان و همچنین آلبوم ها و عکس های خانوادگی ایشان آشنا شدم. مجموعه ای کم نظیر که امروز بخشی از آن در شهر لس آنجلس آمریکا در یک مجموعهٔ خصوصی قرار گرفته و بخش دیگر آن نزد دلال آثار هنری در یکی از شهرهای دوارفتادهٔ فرانسه است.

سال ۱۳۹۴ از طریق همکار گرامی جناب آقای پروفسور منوچهر اسکندری قاجار در آمریکا با جناب محمد معیری، یکی از تنها نوادگان پسری جناب دوستعلی خان معیرالممالک آشنا شده و در چندین سفر با ایشان و خواهرشان دیدار و مصاحبه‌های متعددی داشتم. همزمان در ایران نیز با سرکار خانم لیلا معیری، یکی دیگر از نوادگان جناب دوستعلی خان معیرالممالک آشنا شده و طی نشست‌های متعدد با ایشان نیز در رابطه با خاطرات شخصی و تاریخ خاندان محترم‌شان صحبت‌های مفصلی داشتیم.

از مجموع سخنان فرزندان این خاندان محترم این‌گونه به نظر می‌رسد که مجموعه‌های نظیر این خاندان توسط خویشاوندان رده دوم این خانواده به تاراج و یغما شده. عکس‌های امیر دوست محمد معیرالممالک، خوش‌نویسی‌های میرزا غلامرضا صفیانی و لوله‌های صوتی این خاندان هم جزو همین گنجینه تاراج شده بوده‌اند.

در سال ۱۳۹۶ پس از پژوهش‌های میدانی وسیع و تماس با مراکز فرهنگی داخل و خارج از ایران برای یافتن اطلاعات بیشتر، مجموعه‌داری از کشور سوئیس با من تماس گرفت و مدعی شد که بخش عمده‌ای از مجموعه شخصی امیر دوست محمد معیرالممالک و خاندان ایشان را در اختیار داشته و تمامی را یک‌جا می‌فروشد.

پس از بازدید حضوری در سال ۱۳۹۷ این مجموعه را خریداری کرده ولی به جهت تغییر شغل دانشگاهی و نقل مکان به کشور استرالیا مجالی پیش نیامد تا این مجموعه کم‌نظیر را تا سال ۱۳۹۹ به استرالیا انتقال دهم و آن را بازبینی کنم. این مجموعه شامل ۱۷۰۰ عکس و ۱۵۰۰ سند خطی از مجموعه شخصی امیر دوست محمد معیرالممالک است که به گمان من در اختیار فرزند ایشان

جناب دوستعلی معیری بوده و بعد از ایشان این مجموعه با ارزش تاریخی و فرهنگی به دست دلان رسیده است. پس از بازبینی کلی این مجموعه و تماس با جناب آقای محمد معیری در آمریکا و سرکار خانم لیلا معیری در ایران بود که براسالت این مجموعه اطمینان پیدا کردم.

یکی از اجزای مهم این مجموعه همین سفرنامه است که به همت و یاری همکار محترم سرکار خانم فاطمه معزی مطالعه، تصحیح و تکمیل شده است. این دفترچه کوچک در میان این مجموعه کم نظیر مدفون شده بود و من تا همین اواخر مطالعه اش نکرده بودم و به ارزش آن پی نبرده بودم. همزمان با بررسی عکس های موجود در این مجموعه، در رابطه با سفر جناب دوستعلی و همراهانش به اروپا متوجه شدم که رابطه خاصی میان تصاویر و اسناد این مجموعه وجود دارد و این نشان می دهد که نامه هایی که در رابطه با این سفر بودند نیز جمع آوری و به کتاب اضافه شدند.

خاندان معیرالممالک نقش مهمی در حفظ و نشر فرهنگ ایران و رسوم ایرانیان داشته اند. همگامی ادبیات سفر با عکاسی سفر در این کتاب به خوبی آشکار است و شاید بتوان گفت برای اولین بار چنین تحقیقی این گونه مرتبط بر مبنای تصویر، نامه و سفرنامه دوره قاجار به این شکل ارائه می گردد. در این جا بر خود لازم می دانم تا از همه دوستان و همکاران گرامی که در این پژوهش ما را یاری کردند، سپاسگزاری کنم.

پدرام خسرو نژاد، آذرماه ۱۴۰۲